

<div>دیدگاه‌های امام خمینی (س)</div> <div>درباره حجاب و عفاف</div>
<p>حفظ آزادی و استقلال و ارزش‌های انسانی</p> <p>از جوانان، دختران و پسران، می‌خواهم که استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی را ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرت‌ها و بی‌بند و باری‌ها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی‌وطن به شما عرضه می‌شود، نکنند. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۱۷)</p> <p>آزادی در انتخاب پوشش حجاب</p> <p>در اسلام زن باید حجاب داشته باشد، ولی لازم نیست که چادر باشد، بلکه زن می‌تواند بر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند. (صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۹۴)</p> <p>حجاب جهت حفظ ارزش‌ها</p> <p>باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ آن ارزش‌های شامست، هر چه را که خدا دستور فرموده است – چه برای زن و چه برای مرد – برای این است که آن ارزشهای واقعی که اینها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه‌های شیطانی یا دستهای فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال می‌شدند، اینها ، این ارزش‌ها زنده بپشود. (صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۸۵)</p> <p>تفسیر آزادی، توسط مخالفان آزادی</p> <p>احتمالاً قضیه مبارزه با حجاب زنان مسلمان در فضای آموزشی، حرکتی انحرافی برای کمرنگ کردن جلوه دفاع جهان اسلام از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌باشد. گر چه خود این واقعه هم از دردهایی است که ملت‌های اسلامی گرفتار آن شده‌اند که چگونه در دنیای به اصطلاح آزاد، الزام زنان و دختران مسلمان به رفع حجاب عین دموکراسی است و فقط ما که گفته ایم کسی که به پیغمبر اسلام(ص) توهین کند و افتحای افتحای مسلمین فتوا به اعدام آن می‌دهند، خلاف آزادی است! راستی چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاهها درس بخوانند یا تدریس کنند، ساکت نشسته است؟ جز این است که تفسیر و تأویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالفند؟ امروز خاوند ما را مسئول کرده است، نباید غفلت نمود. امروز با جمود و سکون و سکوت باید مبارزه کرد و شور و حال حرکت انقلاب را پا برجا داشت. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۸)</p> <p>پاسخ به پرسش خبرنگار فرانسوی</p> <p>سوال: برخی از رسوم اسلامی مانند حجاب اجباری رها شده است. آیا در جمهوری اسلامی از نو اجباری خواهد شد؟</p> <p>پاسخ:حجاب به معنای متداول میان ما، که اسمش حجاب اسلامی است، با آزادی مخالفتی ندارد؛ اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد و ما آنان را دعوت می‌کنیم که به حجاب اسلامی رو آورند. زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به عنوان تمدن به سرشان آورده است به ستوه آمده‌اند و به اسلام پناهنده شده‌اند. (صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۴۱)</p>



<div>لکه‌دار شدن محیط ناب اسلامی</div> <div>بابی‌جبابی</div>
<p>مردم ما باید چشم و گوش خود را باز کنند، برگشت به سمت فرهنگ فاسد و منحط غربی، در جامعه انقلابی و اسلامی ما محال و ممنوع است. ملت و مسئولان انقلاب ما، ممکن نیست اجازه دهند تا مجددا رفتار و زندگی مردم به سمتی رود که فرهنگ فاسد غرب تدریق کرده بود و آن را به زور به این ملت تحمیل نموده بود. کسانی که تاریخچه ورود بی‌حجابی و عریانی زنان در جامعه ما را که به وسیله خاندان شوم پهلوی انجام گرفت، خوانده‌اند و یا کسانی که سنشان اقتضا می‌کند و آن روزها را دیده‌اند، می‌دانند که چگونه بی‌حجابی و بی‌حد و مرزی و اختلاط زن و مرد را به داخل کشور وارد کردند و آن را به ملت تحمیل نمودند. ملت ما به آسانی این پدیده را نپذیرفت، ولی متأسفانه به دلیل گذشت دو سه نسل در زیر سایه سنگین و شوم خاندان پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی، عده‌ای با این فرهنگ تدریق آمده و بی‌حج آن را نفهمیدند و سلامت و صفای محیط ناب اسلامی را در نیافتند. دستگاه‌های تبلیغاتی ما هم توان شناسایی عیوب فرهنگ غربی را به آنان نداشتند .</p> <p>• دیدار با پژوهشکان و پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور، ۶۸/۹/۱۵</p> <p>حرکت ضد حجاب، حرکتی برضد جمهوری اسلامی</p> <p>حرکت ضد حجاب، که امروز در کشور ما به وسیله کسانی به شکل مودبانه تعقیب می‌شود، یک حرکت سیاسی ضد جمهوری اسلامی است. عده‌ای که در زمینه بی‌حجابی خیانت به خرج می‌دهند، باید با فاطمیت با آنها روبرو شویم و خواهیم شد.</p> <p>• دیدار با خواهران هنرمند، ۶۳/۱۰/۳</p>

<div>استفتاء</div> <div>از رهبر معظم انقلاب اسلامی</div>
<p>خرید آلات موسیقی</p> <p>س) من می‌خواهم گیتار بخرم و برای خودم آهنگ بزنم، نه اینکه برای فساد یا غنا استفاده کنم. آیا مشکل شرعی دارد؟</p> <p>ج) هر چند نوازندگی اگر لپه‌وی^(۱) نباشد اشکال ندارد، ولی بهتر است جوانان عزیز، وقت با ارزش خود را صرف یادگیری علوم و فنون لازم و مفید کرده و اوقات فراغت خود را با ورزش و تفریحات سالم پر کنند.</p>

<div>استفتاء</div> <div>از رهبر معظم انقلاب اسلامی</div>
<p>(۱) یعنی به سبب ویژگی‌هایی که دارد انسان را از خاوند متعال و معنویات و فضایل اخلاقی دور نموده و به سمت بی‌بندوباری، بیپودگی و گناه سوق دهد.</p> <p>خرید و فروش ارز و سکه و طلا</p> <p>س) اگر از طریق قانونی ارز یا طلا بخریم آیا از قیل مقادیری ارز یا طلا داشته باشیم و با هدف حفظ ارزش سرمایه حتی در شرایط فعلی نسبت به نگهداری آن اقدام کنیم، آیا این کار اشکال شرعی دارد؟</p> <p>ج) این گونه امور تابع مقررات مربوط است، اگر منع قانونی نداشته باشد، فی‌نفسه اشکال ندارد.</p> <p>خرید و فروش سگ در انظار عمومی</p> <p>س) خرید و فروش سگ و نگهداری آن در خانه چه حکمی دارد؟</p> <p>ج) خرید و فروش سگ نگهداران سگ گله و سگ شکاری و نگهداری آن در محل مخصوص این حیوانات اشکال ندارد و سزاوار است از نگهداری سگ به‌گونه‌ای که در فرهنگ منحط غرب رایج است جدا خودداری شود.</p>

<div>استفتاء</div> <div>میزان سود در فروش کالا</div>
<p>س) گرفتن چه مقدار سود در فروش کالا مجاز است؟</p> <p>ج) سود گرفتن تا وقتی که به حد اجحاف نرسیده و بر خلاف مقررات دولت هم نباشد، اشکال ندارد، ولی افضل بلکه مستحب آن است که فروشنده با آن مقدار سودی که هزینه‌هایش را تأمین می‌کند، اکتفا نماید.</p>

با نگاهی به رفتارهای هنجار شکنانه گروه‌های شیطان پرست بوژه در موسیقی، می‌توان در یافت که اگر نگویم همه انواع موسیقی به شکلی می‌تواند ابزاری برای سلطه شیطان بر انسان باشد، دست کم انواعی از آن که در فقه اسلامی از آن به غنا یاد می‌شود، مهم‌ترین ابزار شیطان برای سلطه بر نفس انسانی است؛ زیرا براساس آموزه‌های اسلامی گوش دادن به غنا، تأثیرات منفی شگرفی در نفس انسانی ایجاد می‌کند به طوری که شخصی از حالت تعادل رفتاری خارج می‌شود که گاه در اوج هیجان زندگی افراطی در شسادی و گاه دیگر در اوج اندوهناکی افراطی قرار می‌گیرد که به خودکشی شخص می‌انجامد. نویسنده در این مطلب با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام به بررسی نقش و آثار مخرب و زیانبار غنا در سلطه شیطان بر نفس انسانی پرداخته است.

خودکشی با آهنگ شیطان

بر اساس برخی از تفاسیر قرآنی، غنا چیزی جز سخنان شیطان نیست؛ زیرا وحی شیطانی دارای اقسامی است که یکی از مهم‌ترین آنها، رمزنگاری‌های غنایی است؛ این رمزنگارها آواهای شیطانی است که به سوی انسان حمله می‌آورد و ساختار نفس انسانی را تحت تاثیر مستقیم خود قرار می‌دهد. به سخن دیگر، همان طوری که امروزه دانسته شده که‌اشعه‌ها و امواج گوناگونی فضای پیرامونی محیط زیست بشری را در بر گرفته که برخی از آن‌اشعه‌ها و امواج برای جسم و روان آدمی بسیار خطرناک است؛ امواج موسیقی غنایی نیز، یکی از امواج بسیار خطرناکی است که روان آدمی را چنان تحت تاثیر قرار می‌دهد که عامل هیجان زدگی افراطی در دو جهت شسادی و غم می‌شود و در نهایت هیجانات اندوهناک و فرحناک موجب می‌شود تا شخص خودکشی کند.

پژوهش‌های علمی نشان داده که همان طوری که سیگار و مشروبات الکلی، تأثیرات مخربی بر تن و روان آدمی دارد، همچنین برخی از



اقسام و انواع موسیقی که در فقه اسلامی از آن به «غنای مطرب» یاد می‌شود، تأثیرات زیانباری بر شخص به جا می‌گذارد.

موسیقی غنایی موسیقی است که موجب می‌شود تا مثلا شخص به طرب در آید و مهار و مدیریت رفتاری خود را از دست دهد و این موسیقی است که مپهار او را به دست می‌گیرد.البته برخی از انواع موسیقی غنایی چنان است که حیواناتی چون شتر را به چنان طرب می‌اندازد که از خود مدهوش شده و چنان می‌تازد که جز مرگ او را از حرکت باز نمی‌دارد. همین موسیقی طرب انگیز، از سوی برخی از مکتاب صوفی به عنوان ابزاری همانند مواد روانگردان به کار گرفته می‌شد که در مکتب عرفان شیعی و قرآنی جایی ندارد؛ هر چند که آن را با اب «سماع» تظهير کرده باشند؛ زیرا آهنگ سماع، یکی از اقسام موسیقی غنایی است که حالت تعادل رفتاری از نفس انسانی سلب می‌کند به گونه‌ای که شتروار نه با قلب تعقلی مبتنی بر فطرت سلیم گام بر می‌دارد.

تحقیقات و پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد که موسیقی غنایی با توجه به نوع آن برای شنونده آن، گاه تند و خشن و گاه آرام و غمگین است، به طوری که شنونده آن در عمق مشکلاتی که او را آزار می‌دهند، می‌کند و می‌برد به حدی که او را مجبور به خودزنی و حتی خودکشی می‌نماید. موسیقی تند با جملاتی که بر احساسات تاثیر منفی می‌گذارند آنقدر خطرناک می‌شوند که شنونده بی‌آنکه خودش بداند دست به چه کاری می‌زند، شروع می‌کند به خودآزاری و با هر چیزی که دم دستش بیاید به خود صدمه می‌زند. برخی با تیغ و چاقو پوست دست و پایشان را خط خطی می‌کنند و عده‌ای هم غافل از اینکه دست به چه کاری می‌زنند، خودکشی می‌کنند.

به عنوان نمونه موسیقی غنایی، «رپ» یکی از ابزارهای شیطانی برای سلطه بر نفس و روان آدمی است. موسیقی رپ برخاسته از فرهنگ سیاه پوستان آمریکایی، در آغاز یک واکنش در برابر کش‌های

معارف Maaref@Kayhan.ir

آن بلکه می‌تواند با توجه به سخنان و کلمات آن نیز حرام و غیر جایز محسوب شود.

منظور از «لپو الحدیث» در آیه ۶ سوره لقمان، طبق برخی از شُبان نزولیا و روایات، غنا است.(مجمع‌البیان، ج ۷ - ۸، ص ۴۹۰) بنابراین، وقتی سخن از حدیث لپوی و بیپهوه به میان می‌آید،اقسامی دارد که یکی از مصادیق آن غنا است. لذا لپو الحدیث تنها غنا نیست، بلکه یکی از مصادیق آن غنا است. همچنین بر اساس روایات، یکی از مصادیق «قول الزور» غنا است که باید از آن اجتناب کرد.(حجج، آیه ۲۰ و روایات تفسیری)

«قول الزور» سخن باطل همچون دروغ است که هیچ مبنای علمی وواقعیت و حقیقت ندارد و شامل محتوای غنایی می‌شودکه خصوصیت ذاتی آن سخنان باطل و بیپهوه و اهانت آمیز و دروغ همراه با غلو است. امام صادق(ع) درباره «ایشهدون الزور» فرمود: «زور» غنا است.(الکافی، ج ۶، ص ۴۳۳، ۱۲؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۱، ح ۱۲۹)

از نظر قرآن، غنا از مصادیق لغو است؛ در روایتی آمده که مقصود از «لغو» غنا است.(مجمع‌البیان، ج ۷ - ۸، ص ۱۵۸؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۲۹، ح ۱۷)

به سخن دیگر، اسلام همان طوری که به محتوا توجه دارد به شکل نیز اهمیت می‌دهد. این گونه نیست که مثلا محتوای بد با شکل خوب مورد پذیرش قرار گیرد، با محتوای خوب با شکل بد پذیرفته شود، بلکه زمانی چیزی پذیرفته شده و مورد تایید قرار می‌گیرد که از نظر شکل و محتوا خوب باشد. بر همین اساس، اگر آیات قرآن در شکل



اقسام و انواع موسیقی که در فقه اسلامی از آن به «غنای مطرب» یاد می‌شود، تأثیرات زیانباری بر شخص به جا می‌گذارد.

موسیقی غنایی موسیقی است که موجب می‌شود تا مثلا شخص به طرب در آید و مهار و مدیریت رفتاری خود را از دست دهد و این موسیقی است که مپهار او را به دست می‌گیرد.البته برخی از انواع موسیقی غنایی چنان است که حیواناتی چون شتر را به چنان طرب می‌اندازد که از خود مدهوش شده و چنان می‌تازد که جز مرگ او را از حرکت باز نمی‌دارد. همین موسیقی طرب انگیز، از سوی برخی از مکتاب صوفی به عنوان ابزاری همانند مواد روانگردان به کار گرفته می‌شد که در مکتب عرفان شیعی و قرآنی جایی ندارد؛ هر چند که آن را با اب «سماع» تظهير کرده باشند؛ زیرا آهنگ سماع، یکی از اقسام موسیقی غنایی است که حالت تعادل رفتاری از نفس انسانی سلب می‌کند به گونه‌ای که شتروار نه با قلب تعقلی مبتنی بر فطرت سلیم گام بر می‌دارد.

تحقیقات و پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد که موسیقی غنایی با توجه به نوع آن برای شنونده آن، گاه تند و خشن و گاه آرام و غمگین است، به طوری که شنونده آن در عمق مشکلاتی که او را آزار می‌دهند، می‌کند و می‌برد به حدی که او را مجبور به خودزنی و حتی خودکشی می‌نماید. موسیقی تند با جملاتی که بر احساسات تاثیر منفی می‌گذارند آنقدر خطرناک می‌شوند که شنونده بی‌آنکه خودش بداند دست به چه کاری می‌زند، شروع می‌کند به خودآزاری و با هر چیزی که دم دستش بیاید به خود صدمه می‌زند. برخی با تیغ و چاقو پوست دست و پایشان را خط خطی می‌کنند و عده‌ای هم غافل از اینکه دست به چه کاری می‌زنند، خودکشی می‌کنند.

به عنوان نمونه موسیقی غنایی، «رپ» یکی از ابزارهای شیطانی برای سلطه بر نفس و روان آدمی است. موسیقی رپ برخاسته از فرهنگ سیاه پوستان آمریکایی، در آغاز یک واکنش در برابر کش‌های

غنا به سبب تأثیرات مخرب چندگانه، از مصادیق حرام و امری ممنوع و غیر جایز است که باید از شنیدن و تولید و پیش آن جلوگیری شود. مهم‌ترین آثار زیانبار و مخرب از دیدگاه قرآن عبارتند از:

۱. گمراهی انسان: غنا به سبب محتوای آن می‌تواند موجب گمراهی انسان شود؛ زیرا موسیقی غنایی چنانکه گفته شد دارای الفاظ زشت و توهین آمیز و مستجهن است و به مسائلی اشاره می‌کند که بی‌بند و باری را ترویج و قوانین و هنجارها و ارزش‌ها را به تمسخر می‌گیرد.(لقمان، آیه ۶)

۲. نادانی: قرآن، غنا و «لپو الحدیث» را به این دلیل زیانبار دانسته و حکم بر حرمت آن داده که مبتنی بر «علم» نیست، بلکه خاستگاه چنین غنایی، امور «غیر علم» و مبتنی بر نادانی است. بنابراین، غنا به

باید توجه داشت که شیطان با آهنگ و از طریق گوش به قلب آدمی وارد می‌شود و با زمزمه و طواف دائم برآن است تا راهی به دست آورده و قلب را گرفتار تسویل و وسوسه کرده و در نهایت با نفوذ در قلب، افسار بر گردن آدمی اندازد و او را به سوی خودکشی و ظلم به خود و دوزخ رهنمون سازد.

که قرآن در این باره ناظر به آخرت و آثار اخروی غنا به شکنجه‌اشاره می‌کند، اما باید توجه داشت که اصلا آخرت در مسائل عذاب وابسته به همان چیزی است که در دنیا اتفاق می‌افتد، از همین رو از «فوق» (تناسب) میان سبب و مسبب یعنی (تناسب) میزان و سطح عمل با عذاب سخن به میان آورده است. البته، آیه ۲۶) همچنین اگر کسی چشم بصیرت داشت، الان متوجه می‌شد که گرفتار به غنا، هم اکنون برای گرفتار شکنجه است؛ هر چند که در آخرت این امر به شکل واضح و جبرم سر و دل همه چیز را چنانکه هست می‌بیند و چهره ملکوتی عمل را مشاهده می‌کند.

۷. خواری و اهانت: از نظر قرآن، انسان دارای کرامت ذاتی است (اسراء، آیه ۷۰) که باید با رفتارهای هنجاری، ارزش‌های انسانی خویش را حفظ کند. اما کسی که در دامن لپو الحدیث و مصداق غنایی آن گرفتار آمده است، خودش را خوار کرده و به نفس انسانی خویش اهانت می‌کند. از همین رو قرآن یکی از آثار لپوالحدیث و غنا را خواری و اهانت در آخرت می‌داند که بازتاب چهره ملکوتی همین گناه است که اگر کسی چشم بصیرت داشت امروز آن را نیز همچون آخرت مشاهده می‌کرد.(لقمان، آیه ۶) به سخن دیگر، کسی که گرفتار غنا است، گرفتار اهانت به نفس است و خواری را در وی می‌توان مشاهده کرد. (همان) **۸. سستی:** از دیگر آثار لپوالحدیث و مصداق آن یعنی غنا می‌بایست به سست عنصری شخص گرفتار به غنا اشاره کرد (همان)؛ زیرا واژه «همین» از «هون» به معنای سستی است. این بدان معناست که شخصی که گرفتار غنا می‌شود، از نظر شخصیت سست عنصر شده و قوامیت خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند کربمانه و محکم و استوار و بزرگوار در اجتماع رفتار و تعامل داشته باشد. چنین افرادی از وقار و سکونت برخوردار نیستند و رفتارهای سخیف و سستی از خودشان در اجتماع بروز می‌دهند.

۹.اضلال: نه تنها غنا موجب گمراهی شخص شنونده آن است، بلکه عاملی برای گمراه کردن دیگران است. از این رو شیطان و کافران شیطانی از این ابزار برای مقاصد خویش بهره می‌گیرند. لپوالحدیث و از جمله مصادیق آن یعنی غنا و نغمه‌های مفسده انگیز، ابزار کافران برای ترویج اندیشه‌های خود و گمراه کردن مردم از راه خدا است. (همان)

۱۰. مانع از بهره‌مندی از آیات حق: یکی از مهم‌ترین موانع در سر راه پذیرش حق از جمله اسلام و قرآن و مطالب و مسائل علمی آن، گرایش انسان به لپوالحدیث و سخنان بی‌پایه و غیرعلمی است که بر اساس هواهای نفسانی و گرایش‌های آن گفته می‌شود. (لقمان، آیات ۶ و ۷) بنابراین، می‌بایست از ترویج و گسترش موسیقی غنایی و حرام جلوگیری کرد؛ زیرا مانعی است که نمی‌گذارد تا انسان‌ها به حقیقت گوش داده و در پی آن بروند.

۱۱. سنگینی گوش: همان طوری که غنا موجب می‌شود تا شخص و شخصیت شنونده و خواننده غنا گرفتار سستی شود و از وقار و سنگینی شخصیت و تعادل رفتاری او کاسته شود، همچنین موجب می‌شود تا شخص گرفتار «وقر» و سنگینی گوش شود. (لقمان، آیات ۶ و ۷) در حقیقت، غنا تا آسیب جدی به گوش و قوه شنوایی انسان وارد می‌کند و گوش توانایی طبیعی شنیدن را از دست می‌دهد؛ پس به همان میزان که گوش از شنیدن عاجز می‌شود به همان میزان بر سست عنصری شخصیت افزوده می‌شود.

۱۲. استیکبارورزی: استیکبارورزی بر ایندست خودپرستی و خودبرتربینی و کبر ذاتی شخص است که در شکل رفتار اجتماعی و بروز می‌یابد. گوش دادن به غنا و سخنان بیپهوه و غیرعلمی آن موجب می‌شود تا شخص گرفتار خودبرتربینی و کبر و بزرگی دروین شود و سخنان علمی و منطقی و عقلی را نپذیرد و به همان خیالات و سخنان لغو و باطل و غیرعلمی گرایش یابد و در برابر سخنان علمی و عقلی واکنش منفی نشان داده و گوش به آن ندهد و با حالت استیکباری یا برخورد کرده و به حق و حقیقت و علم پشت کند. (لقمان، آیات ۶ و ۷) **۱۳. نشنیدبه گرفتن حق:** غنا و لپوالحدیث در انسان چنان تاثیر منفی بجا می‌گذارد که مطالب حق را نمی‌خواهد بشنود و اگر هم بشنود نمی‌خواهد آن را بپذیرد. پس به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که اصلا نشنیدند است و خود را به نفهمی و نشنیدن می‌زند. (همان)

۱۴. پرواز در خیالات: کسی که گرفتار قول باطل و قول‌الزور همچون غنا است، گرفتار اوهامی می‌شود که از حالات طبیعی خراج شده و با خیالات خودش سیر و زندگی می‌کند؛ اوهامی که او را از حقایق و واقعیت‌های زندگی دور می‌سازد.(حجج، آیات ۳۰ و ۳۱)

۱۵. تهی شدن قلب: قلب حقیقت نفس انسانی است که داشته‌های فطری اسمایی در آن است. این قلب باید با حقایق پر شود که از طریق قوای شنوایی و شنیداری به دست می‌آید؛ اما این‌گونه عمل نمی‌شود، بلکه با قول‌الزور و لپوالحدیث پر می‌شود که موجب زنگار و مهرشندن قلب می‌شود (نحل، آیه ۲۸؛ روم، آیه ۳۰؛ اعراف، آیه ۱۷۹؛ شمس، آیات ۷ - ۱۰؛ مفلطین، آیه ۱۴؛ بقره، آیه ۷) ، چنین حالتی که «هوی» است چیزی جز سقوط بشر نیست. (حجج، آیات ۳۰ و ۳۱)

۱۶. افتادن از آسمان خیالات: از نظر قرآن، «قول‌الزور» و غنا به سبب توهمزایی، شخص را در آسمان خیالات و اوهام چنان بالا می‌برد که گویی غنایی او را به چنگ گرفته و به بالا می‌برد و از آنجا چنان رهایش می‌کند که دلش خالی و پر از هوا می‌شود و سقوطش نیز همراه با پودر شدن است. (همان)

غنا با توجه به این آثار تباه کننده، امری باطل، لپو، لغو، عبث، دروغ، خیالبافی و مانند آن است که باید از آن اجتناب کرد. از همین رو خدا در قرآن، براساس روایات تفسیری، غنا را حرام کرده است. از نظر مادی، حضور در مجالس غنا و آوازخوانی، زشت و مورد پرهیز عبادالرحمان است. (لقمان، آیات ۶ و ۷؛ مومنون، آیات ۱ تا ۳؛ حجج، آیات ۳۰ و ۳۱، قرآن، آیه ۷۲)

هر گونه درآمدی از غنا از مصادیق مکاسب محرمه است و پولی که

به دست می‌آید حرام خواهد بود. (لقمان، آیه ۶)

به هر حال، انسان می‌بایست از غنا به سبب آثار زیانبارش اجتناب کند و به این آهنگ‌گن شیطان گوش ندهد. باید توجه داشت‌ که شیطان با آهنگ و از طریق گوش به قلب آدمی وارد می‌شود و با زمزمه و طواف دائم برآن است تا راهی به دست آورده و قلب را گرفتار تسویل و وسوسه کرده و در نهایت با نفوذ در قلب، افسار بر گردن آدمی اندازد و او را به سوی خودکشی و ظلم به خود و دوزخ رهنمون سازد. (اسراء، آیه ۶۲)

از نظر قرآن، صوت شیطانی چیزی جز همان قول‌الزور و لپوالحدیث نیست که از مصادیق آن نیز غنا خواهد بود. پس وقتی خدا می‌فرماید: هر که را ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سسوران و پیادگانزت ای لپوالبند و بسا آنان در اموال و شرکت کن و به ایشان وعده بده و شیطان جز فریب به آنها وعده نمی‌دهد. (اسراء، آیه ۶۴) به این معنا است که غنا ابزاری کارآمد در دست شیطان است که با آن به تحریک می‌پردازد. این تحریک در دو سویه تاثیرگذار است که شامل هم، اندوه شدید از یک سو، و فرحتناکی از سوی دیگر است؛ زیرا فرج، شادی افراطی و هیجانی است که تعادل را از انسان می‌گیرد و او را به رقص در می‌آورد. از همین رو خدا فرحناکی را دوست نمی‌دارد، به‌ویژه که به‌جای آن که مبتنی بر حقایق باشد- چنانکه فرحناکی اهل بهشت براساس حقایق است- این- فرحناکی مبتنی بر خیالبافی شیطانی است، خاوندانی می‌فرماید: لا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (صیفا، آیه ۷۶)

صفحه ۶

پنج‌شنبه ۳ مرداد ۱۳۹۸

۲۲ ذی‌القعده ۱۴۴۰ - شماره ۲۲۲۴۲

<div>چراغ راه</div>
<p>تنبیل در کار دنیا</p> <p>در کار آخرتش تنبیل‌تر است</p> <p>قال الامام الباقر(ع): «انی لایضی الرجل ان یکون کسلاناً عن امر دنیاه، و من کسل عن امر دنیاه فهو عن امر اخرته اکسل»</p> <p>امام باقر(ع) فرمود: من مردی را که در کار دنیایش تنبیل باشد، مغموض می‌دارم و کسی که در کار دنیا تنبیل باشد، در کار آخرتش تنبیل‌تر است.^(۱)</p>
<p>۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷</p>

<div>حکایت خوبان</div>
<p>با تکیه بر توکل و تلاش خود</p> <p>از دیگران بی‌نیازی بجوید</p> <p>در روایت است که یکی از اصحاب رسول اکرم(ص) زندگی‌اش بسیار سخت می‌شود و به تهیدستی گرفتار می‌آید، به اندازهای که همسرش گفت: ای کاش به حضور پیامبر(ص) می‌رفتی و او چیزی می‌خواستی، آن شخص نزد پیامبر(ص) می‌رود ولی هنوز سختی بر زبان نرانده بود که پیامبر(ص) فرمودند: «هن سالنا اعطیانه و من استغنی اغناالله» هرکسی از ما چیزی بخواهد و او می‌دهیم ولی اگر بی‌نیازی جوید، خاوند او را بی‌نیاز سازد. صحابی با خود گفت: ما یعنی غیری! مقصود این سخن جز من کسی نیست. پس بی آن که درخواستی کند به خانمش بازگشت و سخن پیامبر(ص) را به همسرش گفت. زن گفت: پیامبر(ص) نیز بشری چون ماست. نزد او برو و وضعیت خود را بیان کن.</p>

صحابی دوباره به سوی پیامبر(ص) رفت و هنوز سخنی نگفته بود که آن حضرت دوباره همان جمله را تکرار کرد. صحابی دوباره بازگشت و سخن پیامبر(ص) را نقل کرد. زن دوباره او را وادار کرد تا نزد آن حضرت برود و درخواست خود را به طور مستقیم عرضه کند. اما چون بار سوم بازگشت بی‌آن که سخنی بگوید همان سخن را از پیامبر(ص) شنید. صحابی تصمیم گرفت که دست از بی‌کاری و تنبیلی بشوید و کاری را انجام دهد. از این رو به نزد همسایه‌ای رفت و تیشه‌ای را امانت گرفت و به سوی دشت رفت و مقاری خار و خشاک گرد آورد و به مدینه برد و فروخت. از آن غنایی را خرید و به خانه برد. روزهای دیگر نیز چنین کرد تا آن که برای خود تیشه و دو شتر و غلامی خرید و این‌گونه ثروتمند شد. روزی خدمت پیامبر(ص) آمد و ماجرای کار و درآمد خود را به عرض پیامبر(ص) رسانید و این که سه بار نزدشان آمدند درخواست کمک نماید. پیامبر(ص) فرمودند: قلت لک من سالنا اعطیانه و من استغنی اغنا الله، من به تو گفته بودم که هرکسی از ما چیزی بخواهد به او می‌دهیم ولی اگر (از خلق) بی‌نیازی جوید، خاوند او را بی‌نیاز سازد.^(۱)

<div>پرسش و پاسخ</div>
<p>۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۰۸</p>

<div>تنبلی و راهکارهای درمان آن(۲)</div>
<p>پرسش:</p> <p>تنبلی چیست و چه آثار و کارکردی در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد و راهکارهای درمان آن کدام است؟ پاسخ:</p> <p>در بخش نخست پاسخ به این سوال به مباحثی همچون: مفهوم تنبلی، نشانه‌های تنبلی و کسالت و نکوش از تنبلی پرداختیم. اینک در ادامه دنباله مطالب را بی می‌گیریم.</p>

در بخش نخست پاسخ به این سوال به مباحثی همچون: مفهوم تنبلی، نشانه‌های تنبلی و کسالت و نکوش از تنبلی پرداختیم. اینک در ادامه دنباله مطالب را بی می‌گیریم.

کارکردهای تنبلی

درباره کارکردها و آثار تنبلی می‌توان گفت که بستگی دارد به اینکه در چه زمینه‌ای صورت پذیرد؛ از این رو، در هر جا اثر خود را بر جای خواهد گذاشت. اکنون به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱- **کم بهره‌شدن در زندگی و ذلت**

هنگامی که امام علی(ع) مالک اشتر را برای فرمانروایی مصر به آن سرزمین می‌فرستد، در ضمن نامه‌ای به مردم مصر، چنین می‌فرماید: «لا ترون الی اطرافکم قد انتقمتم و الی امصارکم الی قلاتحتت و الی ممالکم تروی ولی بلادکم تعزى انفروا وحکمکم الی الی عدوکم و لا تناقلوا الی الارض فتفروا بالفسف و تبوء و بالذل ویکون نصیبکم الاخس و ان انا الخرب الارق و من نام له پنم عنه والسلام»؛ آیا نمی‌بینید که مرزهای شما را تصرف کردند و شهرها را گمشودند و دسبازدهای شما را غارت کردند و در میان شهرهای شما آتش جنگ را برافروختند؟ این جرای با دشمنان کوچ کنید خدا شما را رحمت کند و در خانه‌های خود نماید که به ستم گرفتار و به خواری دچار خواهید شد و بهره زندگی شما از همه پست‌تر خواهد بود، و همانا برادر جنگ، پدیدار و هوشیار است، هر آن کس که به خواب رود دشمن او نخواهد خوابیدا با سلام و درود!»(نهج‌البلاغه- نامه ۶۲)

و نیز در فرآزی از سخنان خود، پیرامون سستی و نافرمانی کوفیان نسبت به حضور در جنگ، می‌فرماید:

«به خدا سوگند! شما برای فروخته شدن آتش جنگ بد مردمی هستید که با شما نریگ می‌کنند، شما حمله نمی‌کنید. شهرهای شما را تصرف می‌کنند، شما پروا ندارید. دشمن به خواب نمی‌رود، شما را خواب غفلت روده، فراموش‌کار هستید. سوگند به خدا شکست برای کسانی است که دست از باری یکدیگر می‌کشند. سوگند به خدا گمان می‌کنم اگر جنگ شد باید و آتش مرق فروخته شود، شما مانند جدا شدن سر از بدن، از پسر ابوطالب جدا خواهید شد. سوگند به خدا! هردی که دشمن را به‌طوری برخورد چیره کند که گوشش را بخورد و استخوانش را بشکند و پویشش را جدا سازد، ناتوانی و بی‌حمتی او بسیار بزرگ و قلب او بسیار کوچک و ضعیف است.»(همان، خطبه ۲۴)

۲- **فقر و تنگدستی**

درسخنی کوتاه امام علی(ع) درباره کارکرد تنبلی در بعد اقتصادی چنین فرموده است:

«ان الاشیاء لما ازودجت، ازودج الكسل والعجز، فتنج منها الفقرا؛ چیزها چون با هم جفت شدند، تنبلی و ناتوانی نیزجفت شدند و از آنها فقر پدید آمد.»(بحارالارواء، ج ۵، ص ۵۹)

مبتلا شدن به غم و اندوه

حضرت علی(ع) می‌فرماید:

«من قصر فی العمل ابتلی بالهم» آنکه در کار کوتاهی ورزد، دچار اندوه گردد.»(نهج‌البلاغه- حکمت ۲۲۹)

<div>سلوک عارفانه</div>
<p>راه رسیدن به سعادت نهایی</p> <p>(بدان ای سالک راه خدا!) کسانی به این مقام می‌رسند که به طور کلی نفس را تزکیه کرده باشند، یعنی یک پاکسازی داخلی از تکلفات مادیت و ابودگی‌های حیوانی داشته باشند. پاکیزه کردن در یک وقت و نه از یک رذیله بلکه به طور کلی پاکسازی داخلی کرده باشند. یعنی تمام زائل اخلاقی را از صفحه دل زوده باشند که نقطه سیاهی از رذائل برصفت‌ها روح آنها نقش نیندد و کمالات انسانی را که فضایل و کمالات اخلاقی است، برای خود تحصیل کرده باشند. اینها یک جنبش انسان‌سای هستند.^(۱)</p>
<p>۱- اخلاق ربانی، آیه‌آل شیح مجتبی تهرانی، ج ۱، ص ۱۶۹</p>

^[1] این گونه امور تابع مقررات مربوط است، اگر منع قانونی نداشته باشد، فی‌نفسه اشکال ندارد